

دفتر هشتم
سیره تربیتی پیامبران
سلسله مباحث سمت خدا
جلد دوم



محمد رضا غابری



نشر معارف

سلسله مباحث سمت خدا

سیره تربیتی پیامبران

حضرت

عابد بنات العبد

یوسف

دفتر هشتم

جلد دوم

محمد رضا عابدینی



فهرست

فصل اول

درخواست مراوده از سوی زلیخا



۱۸.....	تنها داستان عشق زمینی در قرآن کریم
۱۹.....	معنای مراوده.....
۲۰.....	امید داشتن حتی با ازبین رفتن اسباب ظاهری
۲۳.....	سعی زلیخا در دور کردن یوسف علیه السلام از حقیقت متعالی اش
۲۵.....	داستان زلیخا در قرآن، الگویی برای داستان نویسی
۲۵.....	وجود عشق مجازی در انسان
۲۶.....	خواندن سوره یوسف توسط زنان.....
۲۶.....	عشق الهی یوسف علیه السلام و عشق زمینی زلیخا
۲۸.....	بی اعتنایی یوسف علیه السلام به زلیخا، نشان از وجود عشقی برتر.....
۳۰.....	عشق زلیخا از زبان جامی.....
۳۱.....	نقشه پیشکار زلیخا برای به دام انداختن یوسف علیه السلام
۳۳.....	یوسف علیه السلام غرق در مشاهده جمال و جلال الهی.....
۳۴.....	درس توحید در مواجهه با زلیخا.....
۳۷.....	چرا عشقی زمینی و ناپسند را مطرح می کنیم؟.....
۳۸.....	دعوت به حیا، نخستین دعوت انبیا.....
۳۹.....	فلسفه حجاب.....
۴۰.....	رفت و آمد نامحرم، آغازگر فساد.....
۴۰.....	رمزگذاری در فضای مجازی؛ آماده سازی فضای فساد.....
۴۱.....	لزوم تمرین پناه بردن به خدا.....
۴۲.....	حفظ حریم در نام بردن از گناهکاران در قرآن.....
۴۲.....	عالم، جلوه الهی.....
۴۳.....	امتحان الهی برای همه و در همه جا.....
۴۴.....	خطر خلوت های فرزندان.....

۴۴	از دست دادن سرمایه الهی در گناه
۴۵	شیطان سگی گزنده است
۴۶	مشاهده برهان رب
۴۶	آمادگی برای دیدن برهان رب
۴۸	نیازهای طبیعی در افراد عادی و انبیای الهی علیهم السلام
۴۸	خطورات ذهنی گناه
۵۰	مراتب شهود برهان رب توسط انبیا و دیگر مؤمنان
۵۱	انواع عشق در داستان یوسف علیه السلام
۵۳	قدرت عظیم یوسف علیه السلام در پرهیز از گناه
۵۴	راه رهایی از گناهان بزرگ
۵۵	رحمت و امداد الهی برای مؤمنان
۵۶	شرط رسیدن به امداد و رحمت الهی
۵۹	علاقه و حيله گری زلیخا در کنار هم
۵۹	فرار از صحنه گناه، موجب امداد الهی
۶۰	مراقبت از یکدیگر در پرهیز از خلوت های طولانی

فصل دوم

سررسیدن عزیز مصر و دفاع یوسف علیه السلام از خود

۶۵	حلم یوسف علیه السلام در دفاع از خود
۶۶	امداد الهی در اثبات پاکی و طهارت یوسف علیه السلام
۶۸	پرهیز از اتهام زنی در جامعه
۶۸	سخن گفتن نوزاد، استدلالی برای امامت امامان در کودکی
۶۹	شهادت همه هستی علیه دروغ
۷۰	نظام عمل و جزا در عالم هستی
۷۱	ابتلائات ظاهری برای رسیدن به مقاصد بزرگتر
۷۲	اتهام ناپاکی، امتحانی عظیم
۷۲	قدرت تصرف شیطان، تنها در حیطه ظاهر انسان
۷۳	واکنش ضعیف عزیز مصر در برابر گناه زلیخا
۷۴	معنای کید عظیم در زنان
۷۵	معنای ضعیف بودن کید شیطان
۷۶	اهمیت در سیرت یوسف علیه السلام است، نه در صورت او
۷۷	کلمه «عظیم» در قرآن کریم
۷۸	تفسیرهای انفسی و تمثیلی از داستان یوسف علیه السلام و زلیخا
۷۹	قطع همه تعلقات برای رسیدن به عشق
۸۰	محبت الهی ظرفیت می خواهد
۸۲	عبرت های الهی داستان حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا

یوسف
(ع)

پیامبران

۸۲	 دشواری قضاوت منصفانه
۸۳	 همه هستی شهادت بر صدق می دهد
۸۴	 انجام کارهای بزرگ توسط خدای متعال با وسیله های کوچک
۸۵	 اثرات گناهان اشخاص مشهور
۸۶	 خطا و استغفار در همه فرهنگ ها

فصل سوم زلیخا و زنان مصر

۸۹	 محکوم بودن گناه زلیخا از نظر فطری و انسانی
۸۹	 اثرات اتهام زدن به بی گناهان
۹۰	 لزوم کتمان گناه دیگران در حد امکان
۹۲	 لزوم مراقبت افراد برجسته اجتماعی در رفتارهای خود
۹۲	 فاش نکردن اسرار شخصی
۹۳	 منتشر شدن ماجرای زلیخا در شهر
۹۳	 قدرت ارتباطات در زنان
۹۴	 آشکار شدن کینه های زنان شهر درباره زلیخا
۹۴	 میزان محبت زلیخا به یوسف علیه السلام
۹۵	 نقشه زنان اشراف برای تحت فشار قرار دادن زلیخا
۹۶	 نقشه زلیخا برای پاسخ دادن به ملامت زنان اشراف
۹۶	 برگزاری مهمانی از سوی زلیخا برای اشراف مصر
۹۹	 عظمت یوسف علیه السلام برای زنان مصر
۱۰۰	 آشکار شدن گناه، موجب از بین رفتن حیا می شود
۱۰۱	 حضور صالحان و مصلحان در جامعه، موجب جلوگیری از پرده دری
۱۰۲	 تدریجی بودن از بین رفتن حیا در انسان
۱۰۳	 تفاوت حسد مردانه و حسد زنانه
۱۰۴	 فطری بودن خشوع فرد ضعیف در برابر فرد قوی
۱۰۵	 از خودبی خود شدن در زیبایی های مادی و معنوی
۱۰۶	 زبان ویژه عشق
۱۰۸	 وادار کردن یوسف علیه السلام به تسلیم با تهدید به زندان
۱۱۰	 زبان فعل، بلیغ ترین زبان
۱۱۱	 خدا، مافوق دوراهی های زندگی
۱۱۳	 زیبایی عالم، وسیله ای برای حرکت به سوی خداوند
۱۱۴	 زیبایی ظاهری یوسف علیه السلام، مسیری برای رسیدن به ...
۱۱۶	 تجلیات جمال الهی در دنیا و آخرت، موجب جذب انسان ها به خدا ...
۱۱۷	 ضرورت توجه مسئولان به خانواده خود
۱۱۷	 جنبه هنری و زیبایی شناسی ورود یوسف علیه السلام به مجلس زنان ...



۱۱۸	بیان تکالیف سخت با ملایمت در زبان محبت
۱۱۸	سمیع و علیم بودن خداوند در اجابت دعا
۱۲۰	وظیفه مسئولان، شنیدن درد مستضعفان
۱۲۱	تثبیت ایمان در گرو یاری خواستن مداوم از خداوند
۱۲۳	چهل در مقابل عقل
۱۲۴	تقسیم‌بندی انسان‌ها در عمل کردن
۱۲۴	استعاذه حقیقی، حرکت و فرار به سوی اوست
۱۲۵	سختی مجوز گناه نیست
۱۲۶	رابطه با خدا، موجب تبدیل تهدیدها به فرصت

فصل چهارم یوسف‌علیه‌السلام در زندان

۱۲۹	زندانی کردن یوسف‌علیه‌السلام توسط زلیخا
۱۲۹	زندانی کردن یوسف‌علیه‌السلام برای تنبیه او و خاموش کردن شایعات
۱۳۰	زندانی کردن یوسف‌علیه‌السلام، مخالفت با حق که به آن آگاه بودند
۱۳۱	رحمت خداوند برای مؤمنان خطاکار
۱۳۲	تقدیر خداوند در زندانی شدن یوسف‌علیه‌السلام
۱۳۳	داستان یوسف‌علیه‌السلام، داستان تضادها
۱۳۳	سختی تن، راحتی روح
۱۳۵	زاویه نگاه زلیخا در به زندان افتادن یوسف‌علیه‌السلام
۱۳۷	سختی‌ها مایه راحتی روح
۱۳۸	فراق معشوق، سخت‌ترین حالت برای عاشق
۱۳۸	حکمت سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی
۱۳۹	نگاه زندانبان به یوسف‌علیه‌السلام
۱۴۰	رفتار یوسف‌علیه‌السلام با زندانیان
۱۴۱	خدمت به مردم، همراه با عبادت
۱۴۱	چشیدن سختی‌ها، ضرورتی برای حکومت کردن بر مردم محروم
۱۴۲	اتفاقی نبودن هیچ‌یک از حوادث عالم
۱۴۴	داستان‌های قرآن، کلید حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی

فصل پنجم خواب دو هم‌زندان

۱۴۷	اتفاقات زندگی، در راستای اهداف بزرگ‌تر
۱۴۸	اعتماد زندانیان به یوسف‌علیه‌السلام
۱۴۸	میل فطری انسان به نیکوکاران
۱۴۹	دلیل بی‌ربوبی برخی مردم به بعضی علما و مسئولان
۱۵۰	خدمت‌گزاری صادقانه به مردم، موجب جذب و علاقه آنها



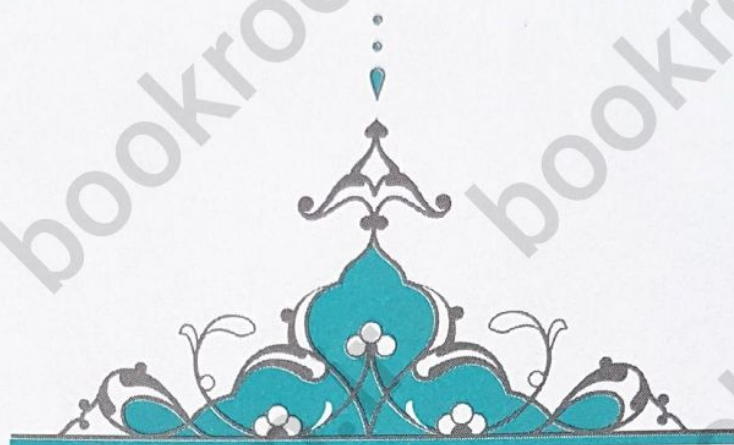
اولویت‌های خدمت‌رسانی.....	۱۵۱
تفاوت تعبیر و تأویل.....	۱۵۲
اهمیت خواب‌ها و اتفاقات فرعی زندگی.....	۱۵۲
جایگاه خواب و رؤیا در تعالیم دینی.....	۱۵۴
دو گروه در پی فهم معنای خواب.....	۱۵۴
تاریخچه خواب براساس روایات.....	۱۵۵
خواب صادق و کاذب.....	۱۵۶
دیدگاه دانشمندان علوم تجربی درباره خواب.....	۱۵۶
دیدگاه دینی درباره خواب.....	۱۵۶
پس هر خواب، واقعیتی پنهان است.....	۱۵۷
ترکیب صورت‌ها در خواب.....	۱۵۸
نقش کثرات در خواب.....	۱۵۸
افراط نکردن در مراقبه.....	۱۶۰
خواب، برادر مرگ.....	۱۶۰
خواب، دانشگاه معرفت.....	۱۶۱
نقش قوه واهمه و عاقله در خواب.....	۱۶۲
خواب، اتصال به عالم مثال.....	۱۶۲
علم رؤیاشناسی.....	۱۶۳
حقیقت خواب دیدن، ارتباط با عالم غیب.....	۱۶۴
خواب، ارتباط انسان با حقیقت عالی خود.....	۱۶۵
تأثیر اشتغالات و غفلت‌های روزانه در خواب.....	۱۶۷
قوه مخیله.....	۱۶۸
تصویری از حقیقت عالی موجودات دنیا در عالم مثال و عقل.....	۱۶۸
توفی یا اخذ روح در خواب.....	۱۷۰
آداب هنگام خواب و بیدار شدن.....	۱۷۱
تأثیر حالات جسمی در خواب.....	۱۷۲
تقسیم‌بندی نظام ادراکی در خلقت.....	۱۷۳
برکات و آسیب‌هایی که در خواب وجود دارد.....	۱۷۴
مراتب عالم وجود و عالم خواب.....	۱۷۵
حجیت رؤیاهای صادق.....	۱۷۵
چگونگی برخورد با رؤیاهای صادق در موضوعات روز.....	۱۷۷
رابطه رؤیا با حالات جسمی.....	۱۷۷
صداقت انسان، سبب صادق بودن رؤیاها.....	۱۷۸
تعبیر خواب.....	۱۷۹
نقل خواب برای دیگران.....	۱۷۹
چگونگی مواجهه با خواب‌های بد.....	۱۸۰

۱۸۰	رؤیاهای صادق و رؤیاهای پریشان
۱۸۲	علت پیشگویی حضرت یوسف علیه السلام درباره غذا
۱۸۳	راه به دست آوردن علوم الهی
۱۸۴	معجزه انبیاء متناسب با علم رایج زمان
۱۸۴	علم حقیقی، علمی است که خدا افاضه می کند
۱۸۵	تعبیر خواب، تنها یکی از علوم الهی یوسف علیه السلام
۱۸۵	هر علم و نعمتی از سوی خداست
۱۸۵	بی نهایت بودن علم، باتوجه به مبدأ اصلی آن
۱۸۶	ذلت در مقابل خدا، عزت در برابر دیگران
۱۸۶	تعبیر خواب دو زندانی، آغازی برای تبلیغ توحید
۱۸۷	ترک کردن بدی ها، مقدمه رسیدن به خوبی ها
۱۸۷	فطری بودن ترک نقص و میل به کمال
۱۸۸	اهمیت باور به معاد
۱۹۰	نخستین معرفی یوسف علیه السلام از خود و خانواده اش
۱۹۱	ضرورت تولا و تبرّا در ایمان
۱۹۲	تبعیت از آبا، به معنای تبعیت از دین و فرهنگ گذشتگان
۱۹۴	برائت حقیقی، برائت از جریان باطل
۱۹۵	جریان شناسی حق و باطل
۱۹۵	در مقابل هر نفی، اثبات چیز دیگری است
۱۹۶	نبود هیچ یک از مراتب شرک در انبیاء علیهم السلام
۱۹۷	ضرورت وجود انبیا و موحدان در هر دوره
۱۹۷	مراحل کفران نعمت و ناشکری
۱۹۸	ویژگی برهان های قرآنی
۱۹۸	استدلال فطری حضرت یوسف علیه السلام
۲۰۰	روش های قرآنی دعوت به حق
۲۰۲	تمایل فطری بشر به وحدت و جدایی از کثرت
۲۰۳	خیرخواهی مؤمنان برای دیگران
۲۰۴	میزان اتکا به عقل در اسلام
۲۰۶	انواع انسان ها در نوع مواجهه با حق و باطل
۲۰۷	براهین قرآنی، براهین ملموس و فطری
۲۰۷	سرانجام هر حرکتی به سوی خداست
۲۰۹	اطاعت، فرع بر قبول ولایت
۲۱۰	تنها تبعیت از قوانین الهی، واجب است
۲۱۱	ولایت، مخصوص خدا و انبیا و امامان علیهم السلام است
۲۱۲	دلیل تبعیت از ولایت فقیه
۲۱۳	معنای دین قیّم



فهرست

۲۱۴	حکم عقل در تبعیت از حقیقت واحد
۲۱۵	تعبیر خواب دو زندانی
۲۱۶	لزوم نقل نکردن خواب‌ها یا اخبار بد
۲۱۶	فراموش کردن عهدهای دوران راحتی، در زمان سختی
۲۱۷	معنای ابراز نیاز یوسف علیه السلام به شخصی دیگر
۲۱۷	نظر علامه طباطبائی رحمه الله در این باره
۲۱۸	مراتب کمال و خطاهای ویژه هر مرتبه
۲۱۹	معنای ترک اولی در انبیاء علیهم السلام
۲۲۰	مراتب سببیت و نگاه توحیدی در امور
۲۲۰	مقام مخلصان و عدم دسترسی شیطان به ایشان
۲۲۲	تنها مخلصان می‌توانند خدا را توصیف کنند
۲۲۳	روابط مردم در جامعه ایمانی
۲۲۳	فرصت مهم نیکوکاری در وضعیت فعلی جامعه
۲۲۵	محبت انبیاء علیهم السلام، مسیر محبت اهل بیت علیهم السلام
۲۲۵	تفاوت ارتباط با اسباب و اعتماد بر اسباب
۲۲۷	دلیل درخواست یوسف علیه السلام از هم‌زندان خود
۲۲۷	نقشه الهی در فراموشی زندانی آزاد شده
۲۲۸	اعداد و نظام اسرار الهی
۲۲۹	منابع



فصل اول

درخواست مراوده از سوی زلیخا



اکنون فصل بهار و فصل محبت است. در این فصل دل‌ها به هم نزدیک می‌شود و محبت‌ها بیشتر جلوه می‌کند. ان شاء الله این فصل، فصل پیوند زندگی‌ها بین دختران و پسران باشد و ازدواج‌ها به بهترین شکل صورت گیرد و عشق و علاقه در زندگی همه بیشتر شود. در این بخش از سوره نیز به عاشقانه‌هایی می‌رسیم که خدای سبحان بیان فرموده و این در قرآن کم‌نظیر است. آیه ۲۳ سوره مبارکه یوسف این است:

﴿وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾

و آن زن که یوسف علیه‌السلام در خانه او بود، از او تمنا کام‌جویی کرد. درها را بست و گفت: «بیا به سوه آنچه برای تو مهیاست!». یوسف علیه‌السلام گفت: «پناه می‌برم به خدا! او پروردگار من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند.

خداوند متعال در این آیه از عبارت «وَرَاوَدَتْهُ» استفاده می‌کند. ریشه «راوَدَ» از «رَوَدَ» است. «رَوَدَ» به معنای رفت و برگشت با ملاطفت است. وقتی کسی با دیگری با نرمی و لطافت معاشرت می‌کند، به آن مراوده می‌گویند. راوَدَ صیغه باب مفاعله است. باب مفاعله گاهی معنای یک‌طرفه دارد، مثل «سافَرْتُ» به معنای من مسافرت کردم؛ گاهی نیز معنای دوطرفه دارد و مربوط به دو نفر یا دو گروه است. مثلاً می‌گویند: تعقیب و گریز؛ یکی تعقیب‌کننده و دیگری فرارکننده است. پلیس در تعقیب دزد است. اینجا دو نفر هستند، هرچند کار هریک، از دیگری متفاوت است: کار یکی تعقیب و کار دیگری فرار است. گاهی هر دو طرف کاری را با هم انجام می‌دهند.

در عبارت «وَرَاوَدَتْهُ»، فاعل فعل را آن زن ذکر کرده است. ضمیر فاعلی، «ت» تأنیث است و ضمیر مفعولی «هُ» است که ضمیر مذکر است و به یوسف علیه‌السلام برمی‌گردد؛

بنابراین معنای آیه این می‌شود که آن زن با یوسف علیه السلام مراوده می‌کرد. مراوده در اینجا یعنی دلبری کردن. آن خانم می‌خواست در ارتباط مکرر، از تمام جاذبه‌های وجودی خودش درباره یوسف علیه السلام استفاده کند تا دل یوسف را ببرد و او را به خود جذب کند. یوسف علیه السلام نیز مجبور بود در آن خانه بماند، چون او را خریده بودند و عبد آنها بود و به دست زلیخا سپرده شده بود.

نقل می‌کنند که زلیخا برای او مقرر کرده بود که بیاید و کتاب‌هایی را برای او بخواند.^۱ نمی‌خواست اظهار علاقه کند، ولی می‌دید این راحت‌ترین راه برای این است که یوسف علیه السلام بگوید و او بشنود. وقتی زلیخا به یوسف علیه السلام نگاه می‌کرد، یوسف علیه السلام سرش پایین بود. این رفت و برگشت‌ها به صورت مکرر و شاید برای مدت‌های طولانی ادامه داشت. سال‌ها یوسف علیه السلام آنجا بود و این علاقه کم‌کم شدت پیدا می‌کرد. با این حال، هر قدر این علاقه در وجود زلیخا شدت پیدا می‌کرد، آن را مخفی نگه می‌داشت؛ به گونه‌ای که حتی آن را از دایه خود پنهان می‌کرد؛ چون به هر حال برای خودش کرامتی داشت و این برای زلیخا کسر شأن بود که عاشق عبد و خدمتگزار خود شده باشد؛ اما کم‌کم کار به جایی رسید که رنگ‌وروی او زرد شد. دایه از او سؤال کرد که چرا ناراحت است؟ او نیز مجبور شد داستان عشق خود را برای او بگوید تا شاید دایه بتواند چاره‌ای بیندیشد. ان شاء الله در دل‌های ما علاقه به کمالات یوسفی شکل بگیرد که یوسف زهر اسلام الله علیها دل ما را آب کند و ما را با این شدت از علاقه، به خود متوجه کند!

تنها داستان عشق زمینی در قرآن کریم

یوسف علیه السلام در خانه عزیز مصر از دوران نوجوانی به جوانی رسیده است و در طلیعه دوران جوانی، زلیخا به عنوان زنی که محبت یوسف علیه السلام در دل او وارد شده، یکپارچه عاشق یوسف علیه السلام می‌شود. هرچه ویژگی‌های جوانی در یوسف علیه السلام بارزتر می‌شود، عشق زلیخا نیز به او شدت پیدا می‌کند.

این داستان شاید تنها داستان قرآن کریم است که عشق زمینی در آن مطرح شده

۱. نک: تفسیر حدائق الحقایق، ص ۳۵۷.

است. عشق آسمانی در مورد همه انبیا و خوف یا شوق آنها درباره خدای متعال، در قرآن کریم بسیار مطرح شده است؛ حتی ماجرای عشق یوسف علیه السلام و یعقوب علیه السلام نیز آسمانی است؛ اما داستان عشق زلیخا به یوسف علیه السلام تنها داستان عشق زمینی است که در قرآن کریم عنوان شده و براساس گفته علامه طباطبائی رحمه الله با قرائن زیادی که خداوند در درون این آیات قرار داده و این داستان به صورت تفصیلی ذکر شده، باید این قرائن موشکافی شود.

در ماجرای جنایتی که قابیل درباره برادر خود هابیل انجام داد نیز داستان خیانت برادر به برادر وجود دارد و این دو قصه، به این موضوع باز می گردد که با اینکه چنین مسائلی بین بشر واقع می شود، اما خداوند این مسائل را به سمت و سوی صحیح سوق می دهد و نتایج عبرت آموزی را درباره آن محقق می کند.



فصل اول

درخواست مراده
از سوی زلیخا

معنای مراده

در قرآن کلمه «راود» هشت بار تکرار شده است که هفت مورد آن در جریان یوسف علیه السلام است. «رَوَدَ» ریشه راود است و در کتب لغت به معنای به آرامی تردد و آمدوشد کردن است. «اراده» نیز از همین ریشه گرفته شده است. اراده به معنای طلب و درخواستی است که نوعی رفت و آمد در آن است. «راوَدَ» صیغه باب مفاعله است و به معنای رفت و برگشت به آهستگی است. وقتی برای یافتن چیزی، رفت و آمد می کنند، به آن مراده می گویند.

همان طور که گفته شد باب مفاعله، گاهی یک طرفه است، گاهی دوطرفه است و در دوطرفه بودن نیز گاهی هر دو یک کار انجام می دهند و گاهی یک طرف یک نوع کار و طرف دیگر کار دیگری انجام می دهد. مورد اول مانند «مسافرت» است. مورد دوم مانند «مقاتله» که دو نفر به قصد کشتن یکدیگر با هم مبارزه می کنند. مورد سوم نیز مانند «معاقبه» است که پلیس تعقیب می کند و دزد فرار می کند.

حال، در اینجا که فعل «مراده» آمده است، کدام یک از این سه مورد است؟ اینجا به معنای سوم است؛ یعنی زلیخا مراده می کرد و می خواست دل یوسف علیه السلام را به دست بیاورد، اما یوسف علیه السلام گریزان بود و به او توجه نداشت؛ بنابراین باید



اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است؛
پس به هدایت آنان اقتدا کن. (سوره انعام، آیه ۹۰)

انبیا در اوج نقطه کمالی‌شان، هر کدام
ظهوری از ظهورات انسان کامل محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله
بوده و همه آن‌ها با هم در اوج کمالاتشان
انگشت اشاره و آیه‌ای برای شناخت خداوند
متعال و جلوه تمام و خلیفه مطلق او
می‌باشند.